

بررسی کتاب ۲۳ سال از جنبه تطابق با شیوه‌های تاریخ‌نگاری

دکتر امیر تیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

AmirTeymour_rafiei@yahoo.com

سمیه عباسی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری تاریخ، گروه تاریخ، واحد شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهری، ایران

چکیده

به نظر می‌رسد روش تاریخ‌نگاری علی‌دشتی در کتاب ۲۳ سال چندان با شیوه‌های تاریخ‌نگاری مدرن تطابق ندارد. در واقع یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری مدرن کاربرد شیوه علمی و به دور از تعصب و غرض‌آلود، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ ایدئولوژیکی، در نگارش تاریخ است. نگرش علی‌دشتی در فصول کتابش، نگاهی مغرضانه، انتقادی و جهت‌دار است. آوردن براهین و استدلال‌های متعدد بر علیه پیامبرگرای اسلام (ص) و همچنین بهره‌گیری از مجموعه‌ای از کتب و منابع نه چندان معتبر، نشان‌دهنده نبود حفظ بی‌طرفی در نگارش کتاب فوق‌الذکر بوده است. نگارش این کتاب تحت تاثیر اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمانه انجام پذیرفته است که لازم است در مقالات دیگری به آن پرداخته شود. با این وجود در کنار این عوامل، قریحه نویسنده، حساسیت فکری و گرایش‌های فردی دشتی نیز نقش موثری را در نگارش این کتاب ایفا کرده است. این پژوهش نقدی است بر کتاب ۲۳ سال علی‌دشتی از جنبه تطابق عدم تطابق آن با سبک‌های تاریخ‌نگاری علمی موجود در تاریخ معاصر ایران.

واژگان کلیدی: علی‌دشتی، ۲۳ سال، قرآن، پیامبر (ص)، پهلوی

مطالعه و تفکر درباره‌ی چیستی و ماهیت تاریخ‌نگاری قطعاً یک تلاش معرفت‌شناسانه‌است و عملاً فراتر از پژوهش‌های متعارف تاریخی است که تا کنون انجام پذیرفته‌است. بدون شک، مطالعات معرفت‌شناسانه در تقویت مبانی دانش تاریخی نقشی مهمی را ایفا می‌کند. در نتیجه جهت مطالعه در این عرصه می‌بایست، بررسی انتقادی و بازخوانی میراث تاریخ‌نگاری به صورت دقیق انجام شود. تاریخ‌نگاری علمی و معتبر، مستلزم روشمندی و دارا بودن پشتوانه‌های عمیق نظری است چراکه اجزا و عناصر اصلی یا به عبارتی مواد خام تاریخ‌نگاری بر پایه آن استوار شود. هدف اصلی نگارنده در این مقاله، شناسایی بینش و روش علی‌دشتی در کتاب ۲۳ سال است. همچنین اهداف فرعی ما در این نوشتار حاضر، بررسی تاثیر اوضاع اجتماعی و نقش ویژگی‌های فردی نویسنده در نگارش اثر است.

دو سؤال اساسی این پژوهش عبارتند از:

۱. در تکوین و شکل‌گیری کتاب ۲۳ سال چه عواملی نقش اساسی داشته‌است؟

۲. ملاک‌ها یا شاخصه‌های تاریخ‌نگاری علمی در کتاب ۲۳ سال چیست؟

مفروض نوشتار

۱. به گواهی تاریخ هر تفکر و هر ایده‌ای با اوضاع داخلی کشور ارتباط مستقیم دارد؛ در واقع هر متنی در اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمان خویش شکل می‌گیرد. بنابراین، در شکل‌گیری کتاب ۲۳ سال باید وضعیت خاص سیاسی-اجتماعی عصر پهلوی را مد نظر قرار داد؛ البته نباید این نکته را فراموش کرد که علاوه بر اوضاع اجتماعی در یک دوره، می‌بایست به ویژگی‌های فردی نویسنده‌ی اثر از جنبه‌های مختلف توجه کرد؛ چراکه در وضعیت اجتماعی یکسان، همه‌ی مورخان سبک واحدی را در پیش نمی‌گیرند. آنچه سبب کسب امتیاز و یا رد یک اثر تاریخی بر سایر آثار در وضعیت اجتماعی مشابه می‌شود، خلاقیت‌های ذهنی و بن‌مایه‌های فکری نویسنده‌است.

۲. روش علی‌دشتی در ۲۳ سال، به دلیل عدم رعایت بی‌طرفی و نگرش تعصب‌گرایانه و همچنین مبرا نبودن از اغراض و تعصب‌ها، به شیوه تاریخ‌نگاری علمی نزدیک نیست.

زندگی و زمانه علی‌دشتی

برای پی‌بردن به روشی که یک نویسنده در نگارش آثار خود اتخاذ می‌کند، نخستین گام، آشنایی با شرح حال، پیشینه خانوادگی، اوضاع جامعه و خط مش فکری آن شخص است. علی‌دشتی، نویسنده‌ای مشهور، سیاست‌مداری شهیر، داستان‌نویسی معروف و مرد مجرد و شیدائی زندگی خوشگذرانی بود. (کاظمی، ۱۳۴۳: ص ۳۰) وی یکی از زبده‌ترین روزنامه‌نگاران تاریخ معاصر ایران در صدر مشروطیت و دوران اقتدار خاندان پهلوی محسوب می‌شد.

علی‌دشتی در ۱۱ فروردین ۱۲۷۶ شمسی^۱ (۱۳۱۲ قمری)، در یک خانواده روحانی و مذهبی ایرانی که بسیار در میان مورد احترام بود، در محله پشت بازار کربلا^۲ دیده به جهان گشود. پدرش شیخ عبدالحسین دشتی از شیوخ بزرگوار دشتی، روحانی خوشنام و مورد احترام و از مردم روستای تلخو در بخش کاکای شهرستان دشتی، استان بوشهر بود که از مدتی قبل، ساکن کربلا شده بود. (پارسی نژاد، ۱۳۷۸: ص ۱۳) علی‌دشتی تحصیلاتش ابتدایی خود را در روستای گل اسپیه از توابع شهرستان دلفان به‌تمام رساند. زبان عربی رافراگرفت، فقه و قسمتی از اصول رانزد حاج حسین فشارکی که از مجتهدین بزرگ آن عصر بود، آموخت. (دستغیب، ۱۳۳۹: ص ۱۵) و در نهایت به کسوت روحانیت درآمد.

پس از چندی، جاذبه‌ی ازادی که بعد از عزل محمدعلی‌شاه و اوایل سلطنت احمد شاه، فراهم شده بود، بستر مهاجرت را برای وی فراهم کرد و در نتیجه دشتی در سال ۱۲۹۸، در سن بیست و چهار سالگی در اوان جوانی و در کوران جنگ جهانی اول همراه پدر و برادرانش، عراق را به مقصد ایران ترک کرد. در ابتدای امر بوشهر را برای اقامت برگزید، پس از چندی در شهرهای چون دشتستان، برازجان، بندرعباس و شیراز به سربرد و رهسپار اصفهان شد.

علی دشتی علیرغم اینکه در حوزه‌ی ادبیات و به ویژه خاطره‌نگاری و نقد ادبی به عنوان یکی از چهره‌های پیشرو و سرشناس شناخته می‌شود، اما از پرداختن به زندگی شخصی خود در روزگار قبل از ورود به عرصه‌ی سیاست و به ویژه دوران زندگی اش در عراق و صفحات جنوبی کشور خودداری کرده به همین دلیل، اطلاعات اندکی از ریشه‌های اساسی اندیشه‌های او که در همین دوران شکل گرفته‌اند، وجود دارد.

جرقه‌های اولیه در بینش و عقاید علی دشتی با وقوع کودتای ۱۲۹۹ رقم خورد. کودتای ۱۲۹۹، مقدمه‌ای برای ورود عناصر و چهره‌هایی به عرصه سیاسی ایران زمین شد، که تا پیش از آن فرصتی برای آنان فراهم نشده بود. در این گستره زمانی نیز برخی مسیر را با فراز و فرود طی کردند و عده‌ای از گردانه‌ی رقابت حذف شدند؛ از این رو در این دوران با ظهور چهره‌های متفاوت و گاه متضاد مواجه هستیم، و از علی دشتی به عنوان یکی از چهره‌های فعال و سیاسی سرشناس در طول دوران پهلوی اول و دوم یاد می‌شود. دوران حیات دشتی، دورانی پر آشوب و پر فراز و نشیب بود، که زندگی وی نیز، تا حدود زیادی تحت تاثیر این شرایط قرار گرفت.

زمانی که دشتی قدم در زندگی ادبی خود گذاشت مقالاتی در جرائد روز آن نگاشت، و همچنین روزنامه‌ای را بنام شفق سرخ^۳ تاسیس کرد و شهرتش مانند شفق سرخ در آسمان مشرق هویدا و آشکار گردید و دنیای ادب را فرا گرفت. (کاظمی، ۱۳۴۳: صص ۲۹-۳۰)

با این وجود، علی دشتی برخلاف تربیت مذهبی و توقعات خانوادگی، در فضایی پر آشوب به دنیای سیاست و مطبوعات قدم نهاده بود. فعالیت روزنامه‌نگاری را در شهر شیراز و در روزنامه فارس، به مدیریت فضل الله بنان شیرازی، آغاز کرد؛ اما اندکی بعد مقاله‌ای از او منتشر شد که، به نوشته رکن زاده‌ادمیت، «عامه نپسندیدند و هیاهویی راه انداخته، اراده قتلش را کردند. ناچار در منزل عبدالحسین میرزا فرمانفرما، که در آن وقت والی فارس بود، پناهنده شد و فرمانفرما به حمایت از او برخاست و در پنهانی روانه اصفهان^۴ کرد». (رکن زاده، ۱۳۳۸: ص ۵۴۷)

عین السلطنه، از قول شیخ عبدالمجید منوچهر، هم شهری علی دشتی، علت و نحوه خروج دشتی از شیراز و دوران اولیه اقامت او در تهران را چنین بیان کرده است:

«آدمی است طبیعی مذهب. در شیراز بدین واسطه مطرود واقع شد. می‌خواستند صدمه به او بزنند. حاجی آقای شیرازی^۵ او را همراه خود طهران آورد، امورات خانه را به وی سپرد. مسافرت کرد. گویا هنگام مهاجرت، شیخ علی^۶ انواع تقلب و خیانت را در غیبت او نمود... حاجی آقا آمد، از وقایع مستحضر شد، او را پس از سرزنش‌ها مرخص کرد». (افشار و سالور، ۱۳۷۹: ص ۶۹۳۱)

از این رو علی دشتی در پاسخ به اتهاماتی که در آن دوران بر ضد وی اظهار شده بود، مقاله "دشتی را بهتر بشناسید"^۷ به طور مختصر به ماجرای اختلال در روابط خود با «میزبان محترم»، حاجی آقا شیرازی، نیز اشاره کرده و آن را کار «هوچی‌هایی» دانسته است «که غیر از دو به هم زدن و کشتن ضعیف کاری ندارند».

نکته‌ای ظریف را نباید از یاد برد که اولین درخشش سیاسی علی دشتی، زمانی بود که قلم به دست گرفت و با سیاست روز پیکار کرد. او با نوشتن مقاله‌ای در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق الدوله در اصفهان^۸ توجه سیاستمداران را به خود جلب کرد. (ماحوزی، ۱۳۸۲: ص ۲۳۹) در واقع نگارش مقاله‌ای بر علیه قرارداد ۱۹۱۹ فرصتی را برای وی فراهم کرد و سبب درخشش

او در روزنامه‌ی ستاره‌ی ایران شد. بدین گونه وی در میان مردان سیاست آن روزگار اعتبار زیادی را برای خود کسب کرد. اهمیت این مساله و موضع گیری علی‌دشتی تا حدی است که ابراهیم خواجه نوری^۹ از دوستان بسیار نزدیک علی‌دشتی راجع به شخصیت او تا پیش از انتشار مقاله‌هایش بر ضد دولت وثوق الدوله، این گونه می‌نویسد:

"آنچه بنده تصور می‌کنم این است که دشتی پیش از قرارداد وثوق الدوله، نه در خط نویسندگی بود و نه در خط سیاست." (خواجه نوری، ۱۳۴۰: ص ۱۶۷)

دومین مساله‌ای که دشتی را بیشتر به عرصه سیاست کشاند، و به شخصیت فردی و اجتماعی وی ابعاد جدیدتری افزود، کودتای ۱۲۹۹ بود. در آن دوران وی به صراحت تمام نخبگان سیاسی، به ویژه افرادی که به طرف داری از انگلیس می‌پرداختند را مورد نقد قرار داد. او سرسختانه در مقابل کابینه سید ضیاء ایستاد و مقاله‌های تند و آتشینی را بر علیه آنان به نگارش در آورد. (دشتی، ۱۳۳۹: ص ۱۰)

سومین و اساسی‌ترین بخش از فعالیت‌های سیاسی علی‌دشتی مربوط به پیش از ورود وی به مجلس شورای ملی و قرارگرفتن او در کنار رضاخان سردار سپه وزیر جنگ و نخست وزیر بود. در آن دوران مقالات او در نقد برخی از اقدامات وزیر جنگ، و نه در مخالفت با او بود، او به دنبال دیدارهایی که با وزیر جنگ برایش فراهم شده بود توانست به زودی موقعیت‌های جدیدی برای پیشرفت سیاسی به دست آورد. علی‌دشتی به سرعت و با به کار گیری قلم خویش به یکی از سینه چاکان و هواخواهان رضاشاه مشهور شد.^{۱۰} او در آن دوران رضاخان را به صورت یک فرد نظامی وطن پرست، فعال و سرشار از غیرت و تعصب معرفی می‌نمود، و در این راه آن چنان پیشرفت کرده بود که در مواقعی حتی از رضا خان به عنوان گاریبالدی^{۱۱} ایران یاد می‌کرد.

دشتی در فروردین ۱۳۱۴ همراه با اعضای محفل دوستانه‌ای مورد غضب رضاشاه واقع شدند؛ در تاریخ ۲۰ فروردین روزنامه شفق سرخ توقیف شد و یک روز پس از اتمام دوره نهم مجلس شورای ملی^{۱۲} یعنی در تاریخ ۲۳ فروردین، علی‌دشتی دستگیر شد.^{۱۳} او به دلیل بیماری که با آن مواجه شده بود به بیمارستان نجمیه انتقال یافت و پس از مدت ۵ ماه در منزل تحت نظر قرار گرفت. (دشتی، ۱۳۲۹: ص ۱۸۹) سرانجام در اوایل فروردین ۱۳۱۷، دشتی عفو شد و به عنوان رییس «دایره راهنمای نامه نگاری»^{۱۴} یا دایره نگارشات در اداره سیاسی شهربانی به کار پرداخت. در آبان ۱۳۱۸ دشتی بار دیگر به مجلس راه یافت. او از حوزه انتخابیه دماوند نماینده مجلس ۱۲ شد و در مجلس ۱۳ نیز نماینده دماوند بود. (بهزادی، ۱۳۷۷: ص ۲۱۹)

با ورود نخستین سرباز متفقین به ایران، علی‌دشتی که طی بیست سال گذشته همواره مدافع رضاخان و اعمال و رفتار او بود، ناگهان تغییر روش داد و در شمار مخالفان طراز اول رضاشاه در آمد و با دولت‌های استعماری به ویژه انگلستان که تصمیم به عزل رضاشاه و تبعید او گرفته بودند هم صدا شد، طبیعی است که علی‌دشتی هم به عنوان نزدیک‌ترین یار و یاور و مجری نظرات و نیات آنان با چرخش صد و هشتاد در جهای، صحبت از خیانت رضاشاه به میان آورد. او باید با مردمی که ۲۰ سال تمام زیر اقدامات رضاشاه سرکوب شده بودند هم آواز شد و افکار عمومی را به جهت خاصی که می‌خواست هدایت می‌کرد.^{۱۵} دشتی مدت‌ها بعد در مجلس سیزدهم^{۱۶} علت دستگیری خود را کمتر تملق گفتن و تعریف نکردن از رضاشاه در اجلاس کنفرانس بین‌المجالس در استانبول عنوان کرد.

حس ناسیونالیسم^{۱۷} او قابل انکار نیست، علاقه مندی او به وطن و آزادی وطن و سربلندی نام ایران و ایرانی در حد افراطی در اندیشه و عمل او کاملاً مشهود بود و بخش اعظم این ویژگی، متأثر از لگدکوب شدن آمال و افتخارات این ملت در جریان مسائلی بود که به ویژه بعد از انقلاب مشروطه رخ داده بود. لذا ضمن باور شدید به آزادی در حوزه‌های مختلف، به

شدت با مشروطیت واقع شده در ایران به مخالفت برخاسته و این گونه اظهار می‌کند: «مشروطیت، غذای بطیء الهضمی است که معده ما مشرق زمینی‌ها برای قبول آن، آماده نشده است.» (دشتی، ۱۳۳۹: ص ۲۳۶)

چندی نگذشته شاهد تغییر موضع تفکرات علی دشتی هستیم، علی دشتی در طول عمر خود با دوران روشنگری و روشنفکران مشروطه مواجه بوده و در کنار آنان زیسته این مساله سبب شده بود که عقاید و اندیشه‌های او به سمت تجددگرایی و غرب بچرخد و باوری راسخ به‌اخذ بدون قید و شرط تمدن اروپایی داشته باشد. علی دشتی می‌گفت که موقعیت تاریخی ایرانیان حکم می‌کند خود را به صفوف ملل متمدن عالم برسانند و برای نیل به این مقصود، باید کلیه اجزای مدنیت غرب راسر مشق خود قرار دهند و در این امر نباید کوچک‌ترین شبهه‌ای بر خویشتن هموار سازند.^{۱۸} دشتی نیز از مفاسد تمدن غرب سخن به میان می‌آورد و می‌گفت تمدن جدید هر چند باعث بروز مفاسدی هم شده است، لیکن این تمدن تنها راهی است که بشر را به سر منزل سعادت می‌رساند. وی غرب را تنها الگوی موفق در راه استقرار فرهنگی جدید می‌دانست و می‌گفت که ایرانیان باید به ناچار و به اجبار^{۱۹} از آن تقلید و تبعیت نمایند.^{۲۰}

با روی کار آمدن محمدرضا پهلوی علی دشتی، در سال ۱۳۲۱ نطق تندی علیه او در مجلس ایراد کرد که با برخورد شدیدی قوام مواجه شد. دشتی و حزب عدالت از عوامل اصلی برانگیختن مردم در اعتراضات خونین سال ۱۳۲۱ شناخته شدند که به بلوای نان شهرت یافت. (شهبازی، ۱۳۸۵: ص ۱۸) دشتی در پی اختلافاتی که با قوام السلطنه بر سر سیاست او، حزب توده و دخالت شوروی سابق داشت در بهار ۱۳۲۵ به زندان انداخته شد و مدت شش ماه در حبس به سر برد. پس از آزادی به فرانسه رفت و در سال ۱۳۲۷ دوباره به تهران بازگشت.^{۲۱}

در ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ اولین مجلس سنای ایران تشکیل شد. دشتی در سال ۱۳۳۲ وارد مجلس سنا شد و این سمت راتا پایان حکومت پهلوی به مدت ۲۶ سال برعهده داشت. در آذرماه ۱۳۲۷ او به عنوان سفیر ایران وارد قاهره شد و تا اسفند ۱۳۲۹ در مصر ماند. همچنین او در ۱۲ آبان ۱۳۴۱ به عنوان سفیر به بیروت اعزام شد. (همان، صص ۲۵-۲۳) با شروع شدن حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دشتی که خود در مدارس علمیه تحصیل کرده بود در لبنان به عنوان سفیر ایران راینی‌های با روحانیون و علمای شیعه آنجا به نفع رژیم پهلوی داشت. با وجود اینکه دشتی منتقد جدی روحانیت بود از سیاست‌های اسدالله علم در وقایع خرداد ۱۳۴۲ انتقاد می‌کرد. این انتقادات و نصایح دشتی به شاه برای او چندان خوشایند نبود. گفته می‌شود که دشتی از شاه تقاضای آزادی یا لغو تبعید آیت‌الله خمینی را کرد که در جواب شاه پاسخ تندی به او داده است. (همان، ص ۲۶) از سال ۱۳۴۴ به بعد دشتی به انتقاداتی از دولت عباس هویدا نیز پرداخت اما پس از مدتی از ورود به مباحث سیاسی به کلی کناره گرفت و حتی با اوج‌گیری جنبش عمومی منجر به انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز سکوت اختیار کرد و تنها به مسائل ادبی پرداخت. (همان، ص ۲۷)

با نگاه بر مجموعه نکاتی که ذکر شد، می‌توان دریافت، روح علی دشتی روح پر هیجان و سیراب ناپذیر بوده که هر لحظه به دنبال ارتقا و مطرح کردن خویشتن در جامعه پهلوی بوده است.^{۲۲} وی همانند سایر روزنامه‌نگاران آن عصر طعم حبس و از دست دادن آزادی را چشیده و به جان خریده بود. وی با ارائه نقدهای دل سوزانه و پندهایی که نشان از علاقه وی به سردار سپه بود، سبب شد تا به سردار سپه و در نتیجه رضاخان نزدیک شود و حلقه‌ای از دل‌دادگان، جان باختگان و مریدان را تشکیل دهد و رضاخان رادر توسعه و اجرای برنامه‌هایش همراهی می‌کردند و به اقدامات وی رنگ مشروعی می‌بخشیدند. وی پس از کسب محبوبیت توانست به مجلس راه پیدا کند، و در دورانی که در مجلس حضور داشت علی‌الخصوص مجلس ششم تا سیزدهم آن چنان متفاوت به نظر می‌رسد که شخصیت کاملاً دوگانه سیاسی را از خود به نمایش می‌گذارد؛ و شاهد تغییر موضع علی دشتی در دیدگاه و عملکرد سیاسی، قبل و بعد از پادشاهی رضاشاه، فعالیت در مجالس مختلف دوره‌ی پهلوی اول و تفاوت دیدگاه و عملکرد سیاسی دشتی در دوره‌ی پهلوی هستیم. پس از انقلاب

اسلامی، علی دشتی دو مرتبه باز داشت شد، که مرتبه نخست به دلیل نظر مساعد امام خمینی (ره)، آزاد شد، اما بار دوم در حدود سال ۱۳۶۰ به اتهام نگارش ۲۳ سال دستگیر و روانه زندان شد، اما این بار نیز مدت طولانی در زندان نماند چراکه به دلیل کهولت سن، بیماری و شکستگی پا بار دیگر از بند زندان رها شد شدت ضعف او به حدی بود که به هنگام آزادی از زندان انقلاب، او را مانند یک کودک خرد سال در پتو پیچیده و بغل گرفته بودند و چندی نگذشته در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۶۰، در بیمارستان جم تهران، در سن ۸۷ سالگی درگذشت و در امامزاده عبد الله به خاک سپرده شد.^{۳۳}

با توجه به دورانی که که علی دشتی در آن زیست کرده باید گفت، فرصت طلبی از مهم ترین شاخصه های زندگی برخی روزنامه نگاران صدر مشروطیت و روزگار اقتدار خاندان پهلوی بود؛ اگر بخواهیم از میان خیل کثیری از این فرصت طلبان یکی را به عنوان پیشتاز و قهرمان انتخاب کنیم، بدون تردید علی دشتی مقام اول را احراز می کند. وی خود را به مثابه روشنفکری اصلاح طلب می انگاشت که به دنبال توسعه اجتماعی است. اما در واقع بیشترین هدفشان با فرصت طلبی کسب موقعیت های سیاسی و اجتماعی بود. ورود علی دشتی به تهران به شرایط فکری و عقاید او دامن زد و فصل جدیدی را برای زندگی سیاسی و اجتماعی او رقم زد، و زیست او را در این شهر آنچنان تحت تاثیر خود قرار داد که وی بارها در انتخاب مواضع سیاسی و عقاید خود تجدید نظر کرد. علی دشتی که فضاهای آلوده به انواع فتنه ها و دورویی ها و زد و بندهای سیاسی رادر عراق و ایران تجربه کرده بود، سبب شد تا دچار همین روحیات شود، مجموعه اقدامات و موضع گیری های علی دشتی نشان از آن دارد که وی بیشتر از همکارانش نان را به نرخ روز می خورد و نهایت آمال و خواسته هایش کسب موقعیت های برتر و دستیابی به مقام و ثروت بود، و ما شاهد پراکنده گویی و تناقض آشکاری در آثار و اندیشه های او هستیم. (پارسی نژاد، ۱۳۸۷: ص ۱۳)

آثار علی دشتی

در این قسمت با بعد دیگری از شخصیت علی دشتی آشنا می شویم که در واقع ماحصل تمامی افت و خیزهای زندگی او به حساب می آید. قلم توانای علی دشتی با آمیخته ای از اطلاعات وسیع ادبی و تاریخی سرمایه اصلی او برای ورود به عالم سیاست بود و همین مساله بود که موقعیت های ممتاز سیاسی و اجتماعی را برای او فراهم کرد. البته او هیچ گاه نپذیرفت که از سر قلم فروشی نویسنده گی کرده و قلم او در راستای خدمت به دستگاه پهلوی بوده است.^{۳۴} با توجه به کتب ادبی مهمی که دشتی آنها را ترجمه و تالیف کرده، می توان پذیرفت که شخصیت ادبی او بر شخصیت سیاسی وی غلبه داشته است؛ اما در هر حال سیاست پدیده ای است که خواهی نخواهی همه چیز را در کام رضایت مندی خویش فرو می برد. دشتی کار جدی در زمینه نویسندگی را از طریق تاسیس روزنامه شفق و انتشار مقالاتش در این جراید آغاز کرد و ایام محبس رادر سال ۱۳۰۱ به عنوان اولین کتاب خود تحریر کرد. او آثاری را از عربی و فرانسه با نثری شیوا به فارسی ترجمه کرد و پس از آن در سال های حکومت محمد رضا پهلوی آثار ادبی، داستانی و اجتماعی قابل توجهی از او انتشار یافت و همین تلاش های نویسندگی بود که توان حضور در سطوح بالای سیاسی و دخالت موثر در ساخت و ساز این عرصه را در آن روزگار به او می داد. او در آثار ادبی خود به معرفی برخی از شاعران بزرگ ایران از جمله حافظ، سعدی، خیام، خاقانی، صائب و ناصر خسرو پرداخت و در نقد صوفی گرایی عطار و فلسفه گریزی غزالی هم کتاب نوشت و به نوعی نقد ادبی پرداخت. (شهبازی، ۱۳۸۵: ص ۷۴)

مجموعه آثاری که علی دشتی به خط تحریر در آورده است

داستان کوتاه

• فتنه (۱۳۲۳) ۲۰

• جادو (۱۳۳۰)^{۲۶}

• هندو (۱۳۳۳)^{۲۷}

پژوهش‌ها و نقد ادبی

- سایه
- ایام محبس (۱۳۰۱)
- نقشی از حافظ (۱۳۳۶)
- سیری در دیوان شمس (۱۳۳۷)
- خاقانی، شاعری دیرآشنا (۱۳۴۰)
- دمی باخیم (۱۳۴۴)
- در مدح قمر تاج (۱۳۴۵)
- کاخ ابداع (منتشر شده در مجله یغما - ۱۳۵۱)
- نگاهی به صائب (مجموعه‌ای از دوازده مقاله - ۱۳۵۳)
- قلمرو سعدی (۱۳۳۸)
- تصویری از ناصر خسرو (۱۳۶۲)

نقد مذهبی

• ۲۳ سال که قبل از سال ۱۳۵۳، احتمالاً در بیروت، به چاپ رسید و بعدها بارها به صورت زیرزمینی تجدید چاپ شد و بینشی انتقادی بر زندگی محمد (ص) پیامبر اسلام است.

• تخت پولاد که در سال ۱۳۵۴، بدون ذکر نام نویسنده، چاپ شد و در برگیرنده بحثی است بین یک مجتهد و یک دانشجو.^{۲۸}

- جبر یا اختیار (۱۳۵۰)
- ابلیس در کسوت عرفان (در روزنامه اطلاعات، شماره‌های ۱۸ تا ۳۱، اردیبهشت ۱۳۵۳)
- در دیار صوفیان (چاپ چهارم ۱۳۶۳) مقالاتی پیرامون صوفی و صوفیگری
- عقلا بر خلاف عقل (۱۳۵۴)

ترجمه

- اعتماد بنفیس اثر ساموئل اسمایلز
 - نوامیس روحیه تطور ملل اثر گوستاو لوبون
 - تفوق انگلوساکسون مربوط به چیست؟ اثر ادمون دومولن
- از مطالعه مجموعه آثار علی دشتی می‌توان فهمید، که وی نویسنده همه کاره از هر دری از اندیشه‌های بشری از دنیا و زندگانی، اخلاق و فلسفه و اجتماع، بدون این که تخصصی در آنها داشته باشد، به قدر کافی بهره برده است. با ادبیات اروپایی از مجرای زبان عربی و احیاناً فرانسه‌آشنایی دارد. استاندال، داستایوسکی، تسوایک، پروست و دیگران را به خوبی می‌شناسد و از هر یک کتاب‌های زیادی خوانده و آنچه را که خوانده خوب هضم و تحلیل کرده و این کثرت و تنوع مطالعه قدرت و

سطوتی به قلم وی بخشیده که در هر مبحث و مقوله‌ای وارد شود به خوبی از عهده‌ان برمی‌آید و روان و سلیس و بی‌تعقید ادای مطلب می‌کند. (آرین پور، ۱۳۷۹، ۳۲۶)

درباره‌ی ۲۳ سال

نوشته‌ها و ترجمه‌های علی‌دشتی باز تاب اندیشه و مرام او در بررسی مسائل روز و باورهای مذهبی و سیاسی است و نگرش او به تاریخ، ادبیات و عرفان ایرانی رانشان می‌دهد. دشتی کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشت. وی مؤلف دو کتابی است که بیش از تمامی آثارش بر شهرت و زندگی او، در واپسین دهه آن (۱۳۵۰-۱۳۶۰) سایه افکند و احتمالاً در آینده نیز بیش از تمامی آثار دشتی بر نام او سایه خواهد افکند. در این دو کتاب ابتدا دشتی رانقد دین مرسوم می‌یابیم و سرانجام نفی‌کننده تمامیت اسلام به عنوان دین مبتنی بر وحی. او در کتاب تخت پولاد به انتقاد از دین مرسوم می‌پردازد و بیش از همه کتاب ۲۳ سال جنجال برانگیز شد که در آن به کلی تمامیت اسلام رابه عنوان دین مبتنی بر وحی نفی می‌کند. (شهبازی، ۱۳۸۵: ص ۳۰) جالب آن است که، هر دوی این کتاب‌ها بدون ذکر نام نویسنده به چاپ رسیدند. این در حالی است که او پیشتر در کتاب ایام محبس اسلام رابه عنوان راه‌رستگاری بشر، مینمایاند: «عقاید خشک مادیون و طبیعیون این‌هارابه طرف یأس، ناامیدی، بدبختی و قساوت و در نتیجه جرایم و جنایات می‌کشاند، همچنان که عقاید تصوف به سوی ذلت و نکبت و اسارت سوق می‌دهد. پس بهترین طریق برای سعادت‌مند کردن مردم، یعنی ایجاد سعادت نسبی، همان حدودی است که تعالیم یک دیانتی مانند اسلام برای پیروان وظایف طبیعی و اخلاقی تعیین کرده‌است.» (همان، ص ۸)

۲۳ سال کتابی درباره‌ی زندگی حضرت محمد پیامبر اسلام است. این کتاب در سال ۱۹۷۳ میلادی نوشته شده‌است اما به دلایلی در سال ۱۹۷۴ در بیروت انتشار یافته است. پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، علی‌دشتی نوشته‌های خود را توسط گروه‌های زیر زمینی مخالف دولت ایران منتشر ساخت.^{۲۹} (طباطبائی، ۱۳۶۶: صص ۸-۶) این کتاب از کتاب‌های ممنوعه در ایران به شمار می‌آید.

این کتاب معجون غریبی است از تحریف قرآن و تفسیر و سیره و تاریخ، و خطر آن هم بیشتر از همین ناحیه‌است که کمتر کسی از خوانندگان در صدد آن برمی‌آید تا مندرجات کتاب را پیگیری کند و آنها رابا منابع تاریخ اسلام تطبیق دهد که اگر کسی کمی دقت عمل به خرج دهد در می‌یابد کتاب بیست ۲۳ سال، آیتی است از تحریف تاریخ و قلب مدارک اسلامی و دگرگون ساختن مندرجات کتاب‌ها که گاهی متن قرآن و ترجمه‌ی آن را تغییر می‌دهد. بدین منظور برای پی بردن به نگرش، هدف و غرض ورزی نویسنده که روشی غیر علمی، انتقادی متأثر از تعصب و زیرکانه‌ای رادر نگارش کتاب به کار گرفته را به طور اجمالی در برخی از قسمت‌های کتاب ۲۳ سال به طور گزینشی انتخاب شده:

گاهی برای ایجاد ذهنیت اشتباه در خواننده، سعی در ارائه تفسیرهای نابجا و معانی متفاوت از آیات داشت: چنانکه در صفحه ۲۲ می‌نویسد: آیا آیه والرجس فاهجر = از پلیدی اجتناب کن (سوره‌ی مدثر آیه ۵) که ۳۰ سال بعد از دهان مبارکش بیرون آمده‌است مؤید این فرض و حدس نیست؟! در صورتی که شکل اصلی آیه ۵ از سوره مدثر: وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (مدثر: ۵). «از عذاب اجتناب کن».

ادعای از یک سنگ بودن کار فیلسوفان، مصلحان اجتماعی و پیامبران

علی‌دشتی در ۲۳ سال همه‌این افراد رامصلحانی می‌داند که بشریت رابه سوی خیر رهنمون کرده‌اند. او با انحصار پیامبران به اقوام سامی این نامگذاری رامربوط به جایی که این افراد از آن ظهور کرده‌اند می‌داند و تفاوت ریشه‌ای بین آنها قائل

نمی‌شود: «این تحول و این سیر به طرف خوبی مرهون بزرگانی است که گاهی به اسم فیلسوف، گاهی به نام مصلح، گاهی به نام قانونگذار و گاهی به عنوان پیغمبر ظاهر شده اند.» (دشتی، ۱۳۷۳: ص ۶۲)

در مقابل، معتقدین به نبوت اختلافاتی در مورد طبیعت کار کسانی که در تاریخ به نام پیامبر مشهور شدند با فیلسوفان و دیگر مصلحان اجتماعی بیان می‌کنند. مثلاً طباطبایی می‌گوید فلاسفه و قانون‌گذاران در محیط‌های متملن ظهور کرده و از دانش دیگران سود جسته‌اند و آموزگاران و استادان در تحریک نبوغ آن‌ها تأثیر فراوان داشته‌اند اما کسانی که با نام انبیاء خوانده می‌شوند به مکتب و مدرسه نرفتند و زیر تأثیر استادان قرار نگرفتند. او از این گفته علی‌دشتی کمک می‌گیرد که در جای دیگر کتاب گفته بود «اما باید انصاف داد که این امر از شأن حضرت محمد نمی‌کاهد. که مردی اُمی، پرورش یافته در محیطی آلوده به اوهام و خرافات، در محیطی که فسق و ستم رایج است و ضابطه‌ای جز زور و قساوت وجود ندارد به نشر ملکات فاضله برخیزد و مردم راز شرک و تباهی نهی کند و پیوسته برای آنها از اقوام گذشته سخن گوید، (این) نشانه نبوغ فطری و تأییدات روحی و صدای وجدان پاک و انسانی اوست» (همان: ص ۸۷) از جمله تفاوت‌های دیگری که طباطبایی به آن اشاره می‌کند این نکته است که پیامبران عقاید خود رادر باره جهان هستی و فرجام آفرینش و فلسفه وجود، هیچگاه تغییر ندادند اما نظر فلاسفه و دانشمندان و مصلحان در این باره تغییر و تفاوت بسیار یافت. (طباطبایی، ۱۳۶۶: صص ۲۶۱-۲۵۸)

گاهی تاریخ را تمام نقل می‌کند حضرت محمد را که مظهر اسلام به حق، پیغمبر عدالت و رحمت بوده، مردی ستمگر و سخت دل و بی‌رحم جلوه می‌دهد:

علی‌دشتی در صفحه‌ی ۱۵۲ و ۱۵۳ می‌نویسد: یک زن رانیز گردن زدند و آن زن حسن‌القرظی بود که تا هنگام مرگ نزد عایشه نشسته و گفتگو می‌کرد، هنگامیکه نام او را بردند با گشاده‌رویی و خنده به سوی قتلگاه رفت. جرمش این بود که هنگام محاصره کوی بنی‌قریظه سنگی پرتاب کرده بود! و ادامه‌ی داستان را که در تاریخ آمده حذف می‌کند که آن سنگ، سنگ زیرین آسیاب دستی بود و زن مزبور متعمداً آن را از بلندی بر سر مردی مسلمانی به نام خلیل بن سوید کوفته و او راکشته بود! همانگونه که ابن هشام در کتاب «السیره النبویه» (الجزء الثاني، صفحه ۲۴۲ چاپ مصر) می‌نویسد: وهی الّتی طرحت الرّحاً علی خلیل بن سوید، فقتلته. پیامبر گرامی اسلام هم به حکم عدالت فرمان داد تا آن زن یهودی رابه سزای قتل، کیفر کنند.

در جایی ادعا می‌کند که پیامبر معجزه‌ای ندارد:

دشتی می‌نویسد «برای یک ایرانی که از در و دیوارش معجزه می‌بارد و هر امامزاده‌ای، حتا مجهول‌النسب، پیوسته معجزه می‌کند، از مرور قرآن به شگفتی می‌افتد که اثری از معجزه در آن نیست. شاید بیش از بیست موضع در قرآن دیده می‌شود که منکران از حضرت محمد معجزه خواستند و او یا سکوت کرده و یا سرباز زده و بدین اکتفاء کرده است که بگوید بشری هستم چون شما و خویشتن را فقط مامور ابلاغ دانسته و فرموده‌است من میسر و مُنذرَم» (دشتی، ۱۳۷۳: ص ۷۶)

در مقابل معتقدین با اشاره به برخی از آیات قرآن این ادعا راز یر پرسش می‌برند و وجود نسبت سحر و جادو به پیامبر اسلام در عصر بعثت را دلیلی بر سر زدن آثار فراطبیعی از او می‌دانند: (سبحانی تبریزی، ۱۳۵۸: صص ۴۷-۴۷) رستاخیز نزدیک شد و ماه شکافت (شق القمر). اگر معجزه‌ای بینند از آن روی بر می‌گرداند و می‌گویند همان سحر و جادوی مستمر است.^{۳۰} هر موقع آیات و معجزه‌ای می‌دیدند آن رامسخره می‌کردند و می‌گفتند که این جز جادوی آشکار چیزی نیست.^{۳۱} جعفر سبحانی این مسأله را تأیید می‌کند که هر فرستاده الهی باید معجزه داشته باشد و با برشمردن آیات قرآن، اخبار غیبی هم چون پیش بینی پیروزی رومیان در جنگ، و شق القمر رانمونه معجزات پیامبر اسلام می‌داند. اما در پاسخ به این مسأله که چرا گاهی پیامبر از انجام معجزات در خواستی خودداری می‌کرد به چند مورد اشاره می‌کند. از جمله می‌گوید برخی از این معجزه‌های در خواستی (مثل دیدن خداوند) امر محال بودند. هم چنین انتخاب معجزه دست خود پیامبر نیست بلکه از جانب خدا به او عطا می‌شود- و این مسأله محدود به پیامبر اسلام نیست. علاوه بر این سبحانی معتقد است «هدف از در

خواست اعجاز این است که در پرتو آن به صدق گفتار مدعی نبوت پی ببرند. بنابراین هرگاه در میان در خواست کنندگان معجزه گروه حقیقت جو و بی غرض باشند که با دیدن اعجاز ایمان بیاورند، در این صورت موافقت با در خواست معجزه بی اشکال خواهد بود. ولی اگر در خواست کنندگان مردمی لجوج و بازیگر باشند هدفی جز تفریح و سرگرمی به سان سرگرمی با عمل مرتاض نداشته باشند، در آن صورت ساحت مقدس پیامبر اسلام بالاتر از آن است که با در خواست آنها موافقت نماید.» (سبحانی تبریزی، ۱۳۵۸: ص ۵۴۰) هرگاه قرآن کوه‌ها را از بیخ بر کند و زمین را قطعه قطعه کند و مردگان راز نده نماید باز آنان ایمان نخواهند آورد.^{۳۳} یا چنان که ادعا می‌کنی، آسمان را پاره پاره بر (سر) ما فرو اندازی، یا خدا و فرشتگان را در برابر (ما حاضر) آوری.^{۳۳} به علاوه او معتقد است برخی از این معجزات در خواستی به گونه‌ای بودند که در صورت انکار آنها توسط مشرکین، آنها دچار عذاب الهی می‌شدند و این با هدفی که پیامبران برای آن برانگیخته شده‌اند هماهنگی ندارد. زیرا از نظر او هدف از بعثت پیامبران و آوردن معجزه راهنمایی مردم است نه نابود ساختن آنها. (همان، ص ۵۴۷) کسانی پیش از آنان بودند معجزه‌های پیامبران خود را تکذیب کردند عذاب از آن جایی که احساس نمی‌کردند آنان را فراگرفت.^{۳۴}

گاهی بر نویسنده‌ای دروغ می‌بندد تا ادعای خود را بر ضد اسلام به حقیقی جلوه دهد:

به عنوان مثال در ارتباط با مسأله‌ی اثبات! این پندار که همانند قرآن رامی‌توان آورد در صفحه ۸۵ می‌نویسد: بعضی راعقیده بر این است که الفصول والغایات را ابوالعلاء معری^{۳۵} به قصد رقابت با قرآن انشاء کرده و از عهده بر آمده است در حالی که «الفصول و الغایات» به هیچ وجه شباهتی با قرآن مجید از حیث اسلوب سخن ندارد و کمترین اشاره‌ای در آن بر اینکه نویسنده‌اش قصد معارضه با قرآن ردا داشته نرفته است و به علاوه «ابوالعلاء معری» کسی است که خود در «رساله‌الغفران» تصریح می‌کند: «آنانکه به الحاد گراییده‌اند و آنانکه بر هدایت دست یافته‌اند و آنانکه از راه اعتدال به انحراف رفته‌اند و آنانکه (از راه یافتگان) پیروی کرده‌اند، همگی اتفاق نظر دارند این کتاب که محمد صلی الله علیه و آله وسلم آن را آورده با اعجاز خود همه را مغلوب کرده است. از مجموعه نکاتی که مطرح شد می‌توان در یافت وی سعی داشته گفتار، به غیر وجه و طریق آن تفسیر شود و مدلول لفظ به معنایی که به دلالت وضعی یا بر حسب قرائن متداول در آن ظهور ندارد، تأویل گردد؛ به همین علت است که این گونه تأویل مردود است و در لسان شریعت مقدس تحت عنوان تفسیر به رأی، یاد شده و از آن نهی شده است^{۳۶} چراکه این اقدام سبب تحریف و عامدانه باعث ایجاد کژ فهمی می‌شود، از این رو وی نه تنها دیدگاهی علی‌گرایانه به وقایع نداشته است بلکه با هدف تخریب رسالت پیامبر (ص)، قرآن و اسلام، سعی داشته از شناخت صحیح واقعیت‌ها جلوگیری کند و افکار منفی، غیر منطقی و غیر صحیح را در اذهان عمومی جایگزین نماید از این رو جهت تحقق هدف خود و موجه جلوه دادن گفته‌هایش به هر ترفندی برای واران نشان دادن حقایق تمسک جسته است.

کتاب ۲۳ سال علی‌دستی شامل بخش‌های زیر می‌باشد:

پیشگفتار

الف) محمد:

۱- تولد قهرمان

۲- کودکی

۳- رسالت

۴- بعثت

۵- پس از بعثت

ب) دین اسلام:

۱- محیط پیدایش اسلام

- ۲- معجزه
- ۳- معجزه قرآن
- ۴- محمد بشر است
- ج) سیاست:
- ۱- هجرت
- ۲- شخصیت تازه محمد
- ۳- ایجاد اقتصاد سالم
- ۴- جهش به سوی قدرت
- ۵- نبوت
- ۶- زن در اسلام
- ۷- زن و پیغمبر
- د) متافیزیک:
- خدا در قرآن
- ه) پس از محمد
- ۱- خلافت
- ۲- سودای غنیمت
- ۳- خلاصه

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت و نگرش علی‌دشتی در نگارش ۲۳ سال

در عالم خصلتی زیباتر از حق‌جویی و حق‌گویی در نوشتارها نیست و ملاک سعادت اخروی هم، چیزی جز این نمی‌باشد و در مقابل منشی پلیدتر از حق‌پوشی و حق‌ستیزی (کفر) نمی‌باشد که منشاء همه‌ی بدبختی‌های دنیا و آخرت است. زیرا این صفت حقایق زیبا را زشت جلوه داده و زشتی‌ها را در نظر مردم زیبا و آنها را از مسیر سعادت منحرف می‌سازد. پیش از آن که به بررسی کتاب ۲۳ سال پرداخته شود می‌بایست، در درجه‌ی اول به سرگذشت تحولاتی که در نثر معاصر به سبب شرایط، وقایع و رخدادها به وقوع پیوسته، و نویسندگان را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده پرداخته شود، چراکه مجموعه‌ی این عوامل در قلم آنان به شدت تاثیر داشته‌است؛ از این رو، برای پی بردن به روش و نثری که علی‌دشتی در کتاب ۲۳ سال به کار گرفته می‌بایست به سیر تحول نثر معاصر پرداخته شود، این دوران نیز به سه دوره تقسیم می‌شود:

• بخش نخست: از دوران مشروطیت تا سال ۱۳۰۰ خورشیدی

پس از شکست ایران از روسیه در زمان فتح علی شاه قاجار، برای نخستین بار بی‌خبری و غرور سده‌ها در هم ریخت و واقعیت عقب ماندگی کشور در اذهان روشنفکران ظاهر شد. نثر منشیانه‌ی این دوران قهرا به این امر توجه کرد که باید در حد فهم عامه ساده و روان نوشته شود. در اواخر دوره‌ی ناصری به دنبال بسط روابط با کشورهای اروپایی، فکر قانون و حکومت ملی و مفهوم ملت اندک اندک در میان مردم پا گرفت و نویسندگان این دوره از طریق نوشتن و ترجمه‌ی رسالات و مقالات یا نمایشنامه‌ها در بیداری اذهان کوشیدند. با امضای مشروطیت، فکری که سال‌ها ادامه داشت شکفت. پیروزی دوباره‌ی ازادی خواهان بر استبداد صغیر ریشه‌های ازادی را محکم‌تر کرد و بر پای‌ی جنگ اول جهانی بیش از پیش ایران را در جریان تحولات جهانی قرار داد، و سرانجام میراث قلم زنان دوره‌ی ناصری به شکل‌های زیر در نثر دوره‌ی مشروطیت تجلی کرد:

- نوشتن رسالات اجتماعی و انتقادی، تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع روز
- ترجمه‌ی آثار غربی
- بسط فن روزنامه‌نگاری در ارتباط با توده‌ها
- انتقاد اجتماعی به طریق عام فهم و خاص پسند
- اختیار کردن اسلوب موجز، مفید و بی‌آرایه
- تعصب و شور ملی

• بخش دوم: از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۵ خورشیدی (دوره‌ی فترت)

در دوره‌ی فترت بر اثر تغییر شرایط سیاسی و فرهنگی و افزایش سانسور و خفقان، زمینه‌های فعالیت ادبی و نوشتاری بیش‌تر در تحقیقات تاریخی و ایران‌شناسی و نیز در داستان‌پردازی‌های احساساتی و سلحشوری تحت تاثیر مکتب رومانیتیک غربی قرار دارد. در نتیجه‌ی این وضعیت، نشر فارسی در مجرای احساسات بافی حرکت کرده و موضوعات آثار آن از واقعیت‌های زندگی دور می‌افتد.^{۳۷}

• بخش سوم: از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ (برگشت موج)

مشخصات اجتماعی و فرهنگی این دوره رامی‌توان به صورت زیر جمع بندی نمود:

- ۱- طرح مرام‌های جدید سیاسی و مسلکی با مایه‌های جهان‌وطنی
- ۲- رواج اندیشه‌های ضداستعماری و باز تاب آن در ادبیات
- ۳- رخنه‌ی دید انتقادی و اجتماعی و جبهه‌گیری سیاسی در فعالیت‌های قلمی و حتی در تحقیقات ادبی و تاریخی
- ۴- رواج قصه‌نویسی به سبک اروپایی که دست کم دو تن از بنیادگذاران این شیوه (هدایت و علوی) از گروه محصلان اعزامی بودند.
- ۵- توجه به ساخت‌های بومی ادب و هنر، فرهنگ عامه و ادبیات مردمی.

۶- چرخش روزنامه‌نگاری به شیوه‌های تند دوران مشروطیت و بارتاب آن در آثار ادبی.^{۳۸}

در واقع مجموعه عوامل فوق در هر دوره تاثیر به سزایی در نگرش نویسندگان ایجاد کرد و روند این تاثیرات به خوبی در آثار نویسندگان مشهود است. علی‌دشتی زندگی طولانی، پرماجر و ماکیاولیستی را از سرگذرانید. او شاهد هفت‌دهه تحولات پرتلاطم تاریخ معاصر ایران بود و در مواردی از باز یگران اصلی حوادث به شمار می‌رفت، از این رو روند این شرایط قطعاً بر شخصیت و قلم او تاثیر به سزایی را گذاشت.

علی‌دشتی کتاب ۲۳ سال رادر سال ۱۳۱۱ به رشته تحریر در آورد، ولی تا سال ۱۳۲۶ در چاپ و انتشار آن اقدامی ننمود. احتمال دارد که چاپ کتاب هم در بیروت انجام گرفته باشد؛ زیرا بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ رژیم شاه از چاپ و انتشار هر گونه نوشتاری که مخالف دین بود، جلوگیری می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی، دشتی به گروه‌های مخالف حکومت جمهوری اسلامی که به گونه زیرزمینی فعالیت می‌کردند، اجازه داد که به چاپ و انتشار این کتاب بپردازند. گفته می‌شود شمار نیم میلیون از این کتاب بین سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ به گونه غیر مجاز چاپ و به فروش رفته است.^{۳۹} (ابن وراق، ۱۳۷۹: ص ۳۴) همان طور که پیش‌تر ذکر شد این کتاب بدون ذکر نام نویسنده، نام و مکان انتشارت منتشر شده و فاقد هر نوع طرح جلدی می‌باشد و در شمار کتاب‌های ممنوعه در ایران به شمار می‌آید، که همین امر بر عدم مورد تایید بودن آن صحنه می‌گذارد. چندی بعد در نسخه‌ی بعدی که از این کتاب به چاپ می‌رسد نویسنده‌ی مقدمه کتاب، موسوم به بهرام‌چوبینه با دلی پرکینه نسبت به نظام اسلامی و روحانیت اصیل به جرم گردن کج نکردن در مقابل باج سبیل بگیران بین‌المللی و ایستادگی در برابر آنان هر

سخن ناصوابی رادر پی هم ردیف کرده و بیاد روزهایی که بساط عیش آنان زیر خیمه‌ی آریامهر و هویدای بهایی برپا بود نالیده‌است. وی کرااعلمنا و دانشمندان دین راعده‌ای خرافه ساز و سربرار مردم و مانع ترقی کشور وانمود می‌کند. هرکس اندکی اطلاع و وجدان داشته باشد خوب می‌داند که این سیناها، ابوریحان‌ها، صدر اها و هزاران امثال آنها که امروز نامشان به عظمت و بزرگی در شرق و غرب عالم برده می‌شود فارغ التحصیل دانشگاه‌های مد امروز سوغات غرب نبودند آنها در همین حوزه علوم اسلامی بالیدند و همگی روحانی و به تعبیر این آقا ملا بوده‌اند. حتی همین مؤلف ۲۳ سال نیزدانش مفیدش را از حوزه علمیه کسب کرده، اگرچه به هوای نفسش آلوده و به اعتراف وی او از روحانیون حوزه نجف است. (دشتی، ۱۳۷۳: ص ۱۱)

اگرچه علی دشتی، نویسنده‌ای توانا و در تجزیه و تحلیل روحيات و نفسيات انسانی ماهر و دقیق و نکته رس و نکته سنج است، و در فن نویسندگی و نثرنگاری یکی از اساتید عصر به شمار می‌رود و مبتکر سبک تازه‌ای است که مملو از قدرت بیان و تخیل، تعبیرات زیبا و بامعنی منطقی و استدلال محکم است، (کاظمی، ۱۳۴۳: صص ۳۰-۲۹) اما وی از آن دسته از انسان‌های کمیابی بود که نویسندگی را با معیار تمایلات اخلاقی و اجتماعی خود می‌سنجید و از این جهت نوشتن رادر راستای پیشبرد اهداف و رسالت خود به کار می‌گرفت و حامی حزب باد بود، از این رو علی دشتی برای وصول به هدف نکوهدیده خود در طی این کتاب برای کتمان حقیقت ده‌ها سند متقن و بی اختلاف و مقبول رانادیده گرفته و در برابر برای اثبات باطل به‌ایات تاریخی بی پایه چنگ می‌زند و گاه پاره‌ای از یک جریان رابه خاطر موافقت ظاهری با مقصود خود نقل کرده و از نقل مابقی آن که روشنگر کامل جریان است تغافل می‌نماید.^{۴۰} گاه کوهی راکاهی جلوه داده و گاه از کاه کوه می‌ساخت.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، کتاب ۲۳ سال علی دشتی کتابی است که در مورد زندگی پیامبر به نگارش در آمده‌است. این کتاب با رویکردی انتقادی تاریخ زندگانی پیامبر رامورد توجه قرار داده و در آن بی توجهی‌ها و در برخی موارد اهانت‌هایی نیز به ساحت پیامبر و قرآن صورت گرفته‌است. دشتی در این کتاب عقاید پایه مسلمانان را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است قرآن متن مستقیماً فرستاده شده از سوی خدا نیست، بلکه سخنان حضرت محمد و ناشی از وجدان پاک و سیرت وی و مذاقات او در رفتار آدمیان و طبیعت، بوده‌است. همچنین دشتی بر این باور بود که قرآن چیز جدیدی برای ارائه نداشته بلکه محمد تنها افکار و عقاید دیگر را به انتخاب خودش جمع آوری کرده و با مخلوطی از مسایل شخصی، مدعی ارائه کلام خدا شده‌است. تلاش دشتی در این کتاب تمرکز ویژه‌ای روی نشان دادن شخصیتی دوگانه از حضرت محمد (ص) دارد و معتقد است پیامبر اسلام پس از هجرت از مکه به مدینه و دست یافتن به ارتشی نسبتاً قوی دچار دگرگونی‌هایی شد.

بر پایه رویدادهای ثبت شده در تاریخ، با اطمینان خلل ناپذیر می‌توان گفت که در مدت چهارهزار سالی که بشر تاریخ نوشته دارد، هیچ پدیده‌ای در زندگی انسان به اندازه دین و مذهب کاربرد نداشته و با همان درجه اطمینان نیز می‌توان گفت که هیچ دیدمانی در زندگی بشر تحت تاثیر خود قرار نداده‌است. کتاب ۲۳ سال علی دشتی در ست در فضا و دورانی به نگارش در آمد که نظام سیاسی به دنبال طرد دین از فضای اجتماعی و سیاسی بود و به هرچیزی که می‌توانست در این امر کمکی باشد اهمیت می‌داد. اما با این وجود کتاب علی دشتی حتی در دوره پهلوی و نظام سکولار و ضد دینی آن نیز امکان چاپ پیدا نکرد و در داخل منتشر نشد. در دوران پس از انقلاب نیز، این کتاب چاپ نشد و در دسترس عموم قرار نگرفت. شاید علت این امر آن بود که علی دشتی در یافته بود که فضای اسلامی در جامعه ایران ریشه در قلوب اکثریت مردم داشته و اجازه چنین اهانت‌هایی رانمی‌دهد.

در باره‌ی کاراکتر و شخصیت علی دشتی این گونه بیان شده‌است: سعیدی سیرجانی در تکریم او از ذکر هیچ جنبه مثبتی فروگذار نکرده، و او راز حقیقت جو، روشنفکر، اهل منطق و استدلال و انتقادپذیر دانسته‌است، صفات آتشی مزاج، عصبیت و پرخاش جویی را نیز برای وی برشمرده‌است. (آذرنگ، ۱۳۸۲: ص ۱۰۰) در یکی از اسناد بیوگرافیک ساواک، متعلق به

بهمن ۱۳۴۷، دشتی چنین توصیف شده است: شیک‌پوش، خنده‌رو، باحوصله، باهوش، سریع حرف می‌زند و معاشرتی و مردم‌دار است. در این سند از عصبی‌مزاج بودن دشتی نیز سخن رفته است. در سند بیوگرافیک دیگر، که به مهرماه ۱۳۴۴ تعلق دارد، دشتی ناراحت، فتنه‌انگیز و عصبانی توصیف شده است. در واقع، دشتی زبانی تند و گزنده و شخصیتی مهاجم داشت. موارد متعددی از برخوردهای خشن او به دوستانش رانقل می‌کنند. زمانی دکتر لطفعلی صورتگر را، که از شیراز آمده و میهمانش بود، کتک زد و زمانی ابراهیم خواجه نوری را، به دلیل خودنمایی اش، به شدت مورد عتاب قرار داد. (شهبازی، ۱۸۵: ص ۱۰۱) زندگی علی‌دشتی سرشار از جلوه‌های فرصت‌طلبی است او در زمره کسانی بود که بیشتر از سایر همکارانش نان به نرخ روز می‌خورد، و نهایت آمال و اهدافش در زندگی شخصی و روابط اجتماعی، تنها کسب موقعیت برتر و دستیابی به مقام و ثروت بود. او که جوای نام و نان بود، خود رادر آستانه پیروزی احساس می‌کرد، و از این روی، در مقالات خود با لحنی تند و بی‌پروا همه‌کس را بسته به موقعیتی که برای وی در برداشت به زیر تازیانه انتقاد خود می‌گرفت. (تولایی تهرانی، ۱۳۷۶: ص ۴۰)

مسأله‌ی دیگر که علی‌دشتی نیز از آن مستثنی نبود، خودباختگی نویندگان، ژورنالیست‌ها و اندیشمندان در برابر غرب بود، چرا که آنان را تسلیم فرهنگ مهاجم کرده بود. در واقع استعمار برای تحکیم پایه‌های سیطره‌ی خود بر جهان سوم علی‌الخصوص جوامع اسلامی، منورالفکران یک جامعه را شیفته‌ی آب و رنگ خود ساخت به گونه‌ای که به جز اندیشه‌ی غربی به چیز دیگری نیاندیشند، سپس این اشخاص رادر کشورهايشان قرار داد تا مردم را از استعدادهای بومی و فرهنگ غنی و کارساز خود غافل سازد و آنان را تسلیم اندیشه غربی کنند تا با تکیه بر این شرایط به سلطه‌ی خود ادامه دهد. در واقع این نوع از استعمار سبب رشد انسانهایی می‌شود که نه تنها مولد اندیشه‌ای نیستند بلکه مصرف‌کننده‌ی تولیدات دیگران هستند، این گونه اشخاص برای توجیه تفکرات و نوشته‌هایشان با هر آب گل آلودی خود راسیراب می‌کنند. این دلباختگی^{۴۱} به غرب در قسمت‌هایی از کتاب ۲۳ سال محسوس است، در ست آنجایی که علی‌دشتی در مقابل شخصیت‌های غربی خود راحقیر می‌شمارد و اظهار می‌کند:

«و بدون تواضع در وغین نه موهبت و ظرافت فکری «رنان» رادر خود می‌بینم و نه شکیبائی کافی و نیروی تحقیق «امیل لودویگ» راتا بتوانم شخصیت قوی و قدرت روحی مردی راترسیم کنم که مانند لنین حادثه‌افزین‌ترین موجود تاریخ بشریتش باید خواند، با این تفاوت که پشت سر لنین حزبی نیرومند و مؤثر قرار داشت ولی محمد با دست خالی و یارانی بسیار معدود، پای به ساحت (صحنه، میدان) تاریخ گذاشت و یگانه وسیله کار او قرآن بود و قرآن». (دشتی، ۱۳۷۳: ص ۵۴)

از زمان انتشار کتاب ۲۳ سال به صورت زیر زمینی نقدهایی هم نیز بر آن نوشته شده است که از جمله‌ی آنها می‌توان به کتابهای «خیانت در گزارش تاریخ» و «راز بزرگ رسالت» اشاره کرد. نویسندگان هر دو نقد مذکور علاوه بر وارد کردن ایرادهای تخصصی، دشتی را به کوتاهی در امانت‌داری در نقل قول از منابع متهم نموده‌اند.^{۴۲} همچنین دکتر غلامحسین مصاحب پدر ریاضیات جدید ایران و بنیان‌گذار اولین دایره‌المعارف فارسی کتابی در نقد علی‌دشتی به نام «دسیسه‌های علی‌دشتی» در سال ۱۳۲۴ منتشر کرد. (شهبازی، ۱۳۸۵: ص ۶۵) عبدالله شهبازی نیز در مقاله «زندگی و زمانه علی‌دشتی» در بخش ابتدایی کتاب علی‌دشتی را در یکی از سر فصل‌های مقاله خود با عنوان طلبه آشوبگر یاد می‌کند. (همان، ص ۱۰) که خود نشان از روحیه عصیان‌گر و ماجراجو علی‌دشتی است. همچنین حمید الگار استاد دانشگاه برکلی در مقاله‌ای که در ژورنال خاورمیانه در سال ۱۹۸۷ چاپ شد کتاب علی‌دشتی را چنین توصیف می‌کند:

«آنچه که برای دشتی حیاتی است این بوده که در این کتاب پیامبر را به عنوان یکی از چندین مردان بزرگ در تاریخ تقلیل دهد.^{۴۳} در میان شخصیت‌های قرن بیستم، او پیامبر را قابل مقایسه با لنین می‌داند، با این تفاوت که به گفته او لنین ترش‌روتر بود. او می‌نویسد تبلیغ اسلام "پاسخی به شرایط اجتماعی مکه است" در بیان خود، دشتی داستان زندگی پیامبر و اصحابش

را به رابطه خشونت و طمع، و یا نا آرامی و سر در گمی تقلیل داده است. روایتی که دشتی بیان می کند، تا حد زیادی یاد آور روایت شرق شناسان چند نسل پیش و مربوط به زمانی است که هنوز در جهای از آگاهی و تمدن شایع نشده بود. با این حال، علاوه بر اتهام معروف تغییر رویه پیامبر پس از هجرت به مدینه، دشتی عنصر مشخص خود را نیز می افزاید: توهین نژادی بی شرمانه نسبت به اعراب که در این کتاب دائماً به صورت موجوداتی وحشی و کودن تصویر شده اند؛ چه پیش از اسلام و چه پس از آن. گواه این مساله که نشان می دهد دشتی بهتر بود استعدادهای خود را در زمینه دیگری به کار می گرفت. (Algar, ۱۹۸۷ Pp: ۳۱۱-۳۱۲)

دشتی هدف از نگارش ۲۳ سال رارائه اثری می خواند که تصویری روشن و خردپسند و عاری از گرد و غبار اغراض و تعصبات و پندارها از زندگی پیامبر اسلام به دست دهد در صورتی که ۲۳ سال کتابی مغرضانه ای است که در نقد اسلام به نگارش در آمده است، و دشتی در این کتاب برای نیل به هدف خود به انواع دروغ پردازی ها و تحریف وقایع تاریخی و تقلب متوسل شده است تا بتواند نوشتارش را مورد قبول همگان واقع کند.

نتیجه گیری

به دنبال نقدهایی کوتاهی که در بخش های پیشین بر کتاب ۲۳ سال ایراد شد، لازم به ذکر است که در پایان به چند نکته ی اساسی اشاره شود، علی دشتی بر این مدعا بوده که در ارتباط با نگاشته هایش تحقیق کرده است و خود در تحقیقاتش به این نتایج دست یافته است اما وی:

۱. برای قسمت اعظم گفته هایش سندی ارائه نکرده بود.
۲. در قسمت هایی که نیز سند ارائه کرده بود، ارجاعاتش از کتب ضاله و کتب اهل سنت بوده که قابل قبول شیعیان نیست.
۳. در قسمت هایی که آیاتی از قرآن را ذکر کرده بود با ظرافت زیرکانه ای کلمات را در ترجمه جابه جا کرده و یا جملات را به طور ناقص استفاده کرده بود به طوری که معنای عبارت را برگردان کرده بود.
۴. همچنین در اسنادش از آیاتی استفاده کرده بود که معانی آنها برای مستمع ناآگاه، مبهم بود که تنها با رجوع به تفاسیر رفع ابهام می شد.
۵. از اولین تا به آخرین سطرها جانبدارانه به انتقاد علیه پیامبر (ص)، قرآن و اسلام پرداخته بود.
۶. هیچ مقدمه ای برای کتاب ارائه نکرده بود.
۷. کتاب ۲۳ سال فاقد اسم علی دشتی، سال چاپ و اسم انتشارات است.

با توجه به نقدهای های فوق و وارد به کتاب ۲۳ سال و همچنین نگرش، شخصیت، تحصیلات، فضای سیاسی و جایگاه اجتماعی که از علی دشتی بیان شد، می توان دریافت که وی شخصیتی کاملاً متناقض داشته و با تغییر فضاهای سیاسی جامعه، تغییر رنگ داده و همسو با شرایط جامعه در جهت تحقق اهداف و آمال خود گام برداشته است. علی دشتی روش و بینشی کاملاً متمایز با سایر مورخان اسلامی داشته است و شاید علت اتخاذ چنین نگرشی شغل وی بوده که سال های سال به آن مشغول بوده، که این امر سبب شده وی به واقعه ی رسالت حضرت محمد (ص) کاملاً بی اعتقاد شود، و از هر حربه ای در جهت زیر سوال بردن این رسالت بهره گرفته و از همان ابتدا آشکارانه رسالت پیامبر را امری دروغین تلقی کرده و با قلمی زیرکانه و تحریف وقایع و آیات قرآن از همان سطرهای اولیه سعی در ایجاد شک در ذهن خواننده نسبت به پیامبر، قرآن و اسلام می کند. وی در کتاب ۲۳ سال با نثری داستانی و اتخاذ روشی انتقادی، جهت دار و تحریف قرآن و همچنین رعایت نکردن بی طرفی، عدم اتخاذ دیدگاهی علی گرایانه به وقایع، ارائه تفاسیر واران و دور از واقعیت و استفاده از منابعی که مورد تایید مذهب تشیع نیست اذهان بسیاری را دچار تشویش و تردید کرده؛ در نهایت به اشتباه و سوء برداشت گرفتارشده؛ و بر

اساس منابع موثق تحقیقاتش رو پیش نبرده و دچار پیش داوری شده است که مجموع این عوامل بر غیر علمی بودن کتاب ۲۳ سال علی دشتی صحه می گذارد.

یادداشت

۱. بهرام چوبینه در مقدمه خود بر ۲۳ سال (چاپ جدید، ۱۳۸۱) زمان تولد علی دشتی راسال ۱۲۷۷ خورشیدی برابر با ۱۸۹۸ میلادی، در دشتستان، عنوان کرده است. رکن زاده ادبیت و سید جعفر حمیدی زمان تولد او را ۱۳۱۰ ق در کربلا می داند که برابر است با ۱۲۷۱ ش. یحیی آرین پور دشتی را متولد ۱۲۷۵ ش. برابر با ۱۳۱۴ ق ۱۸۹۶ م. در کربلا می داند.

۲. دشتی در فرم های مشخصات مجلس سنا، به خط خود، زمان و محل تولد خویش را ۱۱ حمل (فروردین) ۱۲۷۳ شمسی در کربلا ذکر کرده است. اما اسپراکمن، مترجم آثار وی به زبان انگلیسی، محل تولد او را دشتستان ذکر کرده است.

۳. ترویج مدنیت غرب از مهم ترین اهداف این روزنامه به شمار می آمد، اما هیچ بحثی نظری در شفق سرخ در این باب یافت نمی شود؛ آنچه در صفحات این روزنامه موج می زد کف زدن برای «تجدد زوری» بود. طبعا سردار سپه، میدان دار این عرصه به شمار می آمد. دشتی تا سال ۱۳۰۹ مدیر شفق سرخ بود. طبعا سردار سپه، میدان دار این عرصه به شمار می آمد. دشتی تا سال ۱۳۰۹ عهده گرفت. با این وصف نام «ع. دشتی» به عنوان صاحب و مؤسس روزنامه قید می شد. (آبادیان، ۱۳۸۴: ص ۱۲۲) شماره اول شفق سرخ در تاریخ ۱۱ اسفند ماه سال ۱۳۰۰ ه. ش انتشار یافته و در سال های اول و دوم و سوم، روزنامه هفته ای سه شماره و از تاریخ شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ ه. ش اواخر سال سوم، روزنامه مبدل به یومیه شده و هفته ای ۵ شماره منتشر شده است. سال اول انتشار شفق سرخ در تاریخ ۱۱ حوت ۱۳۰۱ ه. ش پایان یافته و برای تنظیم امور داخلی روزنامه مدت یک هفته تعطیل بوده است. مجددا در تاریخ یکشنبه هفته بعد انتشار یافته و از این تاریخ سال دوم روزنامه شروع گردیده است.

۴. اقامت دشتی در شیراز، به گفته خود او، حدود پنج ماه به درازا کشید.

۵. حاج شیخ علی مجتهد شیرازی (۱۳۰۰-۱۳۴۸ ق.)، معروف به حاجی آقا یا حاجی آقا اسکروچی. اسکرو از واژه انگلیسی «Screw» به معنی پیچاندن است و چون حاج عبد الکریم شیرازی، پدر حاجی آقا شیرازی، از تجار معتبر پنبه بود و پنبه هایی را که از ولایات به شیراز می آمد و بعد به خارج صادر می کرد آن ها را باربندی کرده و با سیم می پیچید، به اسکروچی معروف شده بود. حاجی آقا شیرازی از شاگردان آخوند خراسانی بود و اجازه اجتهاد از او داشت. حاجی آقا در دوره دوم مجلس شورای ملی نماینده شیراز بود. او در این دوره از وکلای برجسته و فعال و خوش فکر به شمار می رفت. در دوره سوم از تهران به مجلس راه یافت ولی اعتبارنامه اش رد شد. مدتی در تهران ماند، سپس به شیراز رفت و قریه فاروق را تصرف کرد. این قریه ملک عسکرخان عرب بود که بیع شرط شده و در گرو پدرش بود. برادرانش مدت ها با او بر سر این ملک نزاع داشتند. حاجی آقا در ۱۳۰۸ ش. به تحریک دشمنانش، به دست «برزگران فاروق» به ضرب گلوله کشته شد. (مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران: انتشارات زوار، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ج ۶، صص ۱۶۲-۱۶۳)

۶. منظور همان علی دشتی است، به کار بردن کلمه شیخ در ارتباط با علی دشتی، نشان از آن دارد که وی طبق تعریف ارائه شده در فرهنگ عمید عالم دینی و مبلغ دینی بوده است.

۷. در ۱۲ خرداد ۱۳۰۳/اول ژوئن ۱۹۲۴، همان روزی که اعتبارنامه دشتی در مجلس مطرح می شد، تمامی صفحه اول و دو سوم صفحه دوم شفق سرخ به مقاله ای اختصاص یافت با عنوان «دشتی را بهتر بشناسید». این مقاله پاسخگویی به اتهامات وارده از سوی روزنامه سیاست، لایحه دفاعیه دشتی و اولین زندگینامه خودنوشت او بود.

۸. اما پس از گذشت پنج ماه تهران را برای اقامت خود برگزید و رهسپار تهران شد.

۹. ابراهیم خواجه‌نوری (زاده‌ی اسفند ۱۲۷۹ خورشیدی در تهران یا شیراز، در گذشته‌ی ۱۳۷۱ خورشیدی در تهران) نویسنده، روانشناس، روزنامه‌نگار و سیاست‌گر ایرانی دوران معاصر.

۱۰. دشتی در مراتب مختلف از رضاشاه به ویژه اقداماتی که در زمان او انجام شده و ریشه در مصوبات مجلس شورای ملی دارد تعریف و تمجید می‌نماید؛ به عنوان نمونه، او فهرستی از کارهای رضاشاه که از آنها به عنوان خدمات این مرد بزرگ یاد میکند را این گونه آورده است:

۱۳۰۰: آغاز متحدالشکل شدن سپاه ایران

۱۳۰۳: قانون خدمت سربازی

۱۳۰۴: بهمن این سال طرح راه سراسری ریخته شد

۱۳۰۶: الغای کاپیتولاسیون

۱۳۰۷: تاسیس بانک ملی

۱۳۰۸: آغاز تشکیل نیروی دریایی

۱۳۰۹: الغای امتیاز اسکناس به بانک شاهنشاهی و اختصاص آن به بانک ملی

۱۳۰۹: گویا در همین سال، دولت در این مقام برآمد که تعرفه‌هایی مستقل برای واردات وضع کند و تعرفه‌های قراردادهای رابه نحوی از بین ببرد

۱۳۱۱: الغای امتیاز نامه‌داری و بستن قرارداد جدیدی با شرکت نفت ایران و انگلیس

۱۳۱۲: به کار گذاشتن سنگ بنای دانشگاه

۱۳۱۳: تاسیس بانک کشاورزی

۱۳۱۴: از ادی زن و رسم الغای حجاب

۱۳۱۶: گشایش کارخانه‌ی دخانیات

۱۳۱۶: تاسیس بانک رهنی (دشتی، ۱۳۵۶: صص ۵۲-۵۱)

۱۱. جوزپه گاریبالدی (به ایتالیایی: Giuseppe Garibaldi) یکی از مبارزان اصلی میهنی در جنگ استقلال ایتالیا بر ضد اتریشیها بوده است. به او به خاطر خدمات نظامی اش در آمریکای جنوبی و اروپا لقب قهرمان دو جهان راداده‌اند. گاریبالدی همچنان فرمانده جنگ‌های یگانگی ایتالیا بوده است. وی یک قهرمان ملی ایتالیا به حساب می‌آید.

۱۲. دشتی تنها در دو مجلس دهم و یازدهم شورای ملی دوره رضاشاه نتوانست به عنوان نماینده حاضر باشد علت اساسی این موضوع نیز تغییر نگرش رضاشاه نسبت به او و دستگیری و زندانی شدن و سپس تحت نظارت قرار داشتن او بود.

۱۳. از این دوران مغضوبیت دشتی، یادداشت‌هایی بر جای مانده که در سال ۱۳۲۷ مشفق همدانی با عنوان «تحت نظر» ضمیمه «ایام محبس» دشتی کرد.

۱۴. این دایره مسئول سانسور مطبوعات بود. هیچ روزنامه‌ای حق نداشت، مطالب خود را بدون اجازه این دایره منتشر کند و مدیران مطبوعات می‌بایست تمامی نوشته‌های خود را به دایره فوق ببرند و مجوز نشر در یافت کنند، البته بر خود دشتی با روزنامه‌نگاران دوستانه بود. (بهزادی، ۱۳۷۷: صص ۲۱۹)

۱۵. علی دشتی در این دوران به دلیل این که نشان دهد نسبت به رضاشاه تغییر نگرش و رویه داده است صحن مجلس را بهترین نقطه برای ایجاد سر و صدا و تبلیغات خود بر علیه رضاشاه تشخیص داد و صحبت را به موضوع جواهرات سلطنتی کشاند و گفت: «از قراری که دیروز شنیدیم گویا اعلی حضرت شاه مستعفی می‌رود و گذرنامه ایشان هم امضا شده است. روز اولی که استعفانامه ایشان را آقای فروغی به مجلس آورد به ایشان تذکر دادم و رئیس مجلس ایشان را مأمور کردند تا با شاه

صحبت کنند و این تذکرات را به دولت بدهند که قبل از اینکه محاسبات بیست ساله ایشان تسویه شود، و قبل از اینکه موضوع جواهرات تصفیه شود، ایشان نباید بروند، آیا دولت مسؤولیت این کار را بر عهده خواهد گرفت و متعهد می‌شود جواب این جواهرات سلطنتی را بدهد. اگر ده روز بعد معلوم شود مبلغی از این جواهرات نیست، چه کسی جوابگو خواهد بود». او که تا چند روز پیش رضا خان را «پدر ایران» می‌دانست و مدام او را می‌ستود ناگهان علیه او شورش می‌کند و می‌گوید: «اینکه صد نفر یا دویست نفر بروند و جواهرات را ببینند فایده ندارد. باید یک هیأت مورد اعتماد مردم معین شود و تمام جواهرات سلطنتی را با صورت ثبت آن تطبیق کند که چیزی کم و کسر نشده باشد» (مذاکرات مجلس شورای ملی، مهر ۱۳۲۰ شمسی)

۱۶. دوران نمایندگی علی‌دشتی در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد:

دوره مجلس	از تاریخ تا تاریخ	شهر / منطقه ای که دشتی نمایندگی آن را به عهده داشت
ششم	۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ ه.ش	بوشهر
هفتم	۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ ه.ش	بوشهر
هشتم	۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ ه.ش	بوشهر
نهم	۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ ه.ش	بوشهر
دوازدهم	۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ ه.ش	دماوند
سیزدهم	۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ ه.ش	دماوند

۱۷. فرانسوی: nationalism - دل‌بستگی شدید کسی یا گروهی به نژاد، فرهنگ، زبان، و همه مظاهر ملیت و قومیت خودی؛ ملی‌گرایی.

۱۸. شفق سرخ، سال دوم، ش ۷۱: ص ۱

۱۹. واضح است که منظور دشتی از مفاسد غرب، نه وجه‌استعماری تمدن جدید که آن هم ریشه‌ای پایدار در تلقی خاصی از آدم و عالم داشت بلکه ظواهر اخلاقی اروپاییان بود.

۲۰. شفق سرخ، سال چهارم، ش ۳۳۹: ص ۳

۲۱. برای مطالعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به مقاله علی‌دشتی نوشته‌ی حمید تفضلی در سایت تلاش آنلاین

۲۲. عبدالله شهبازی در مقاله «زندگی و زمانه علی‌دشتی» در بخش ابتدایی کتاب علی‌دشتی رادر یکی از سر فصل‌های مقاله خود با عنوان طلبه آشوب‌گر یاد می‌کند. (شهبازی، ص: ۱۰) که خود نشان از روحیه عصیان‌گر و ماجراجو علی‌دشتی است.

۲۳. دشتی، ۲۳ سال، به کوشش: بهرام چوبینه، بی نا، ۱۳۷۳، بی‌جا، ص ۵۳

۲۴. چنانکه در مورد کتاب «پنجاه و پنج» که ان‌را به‌گونه‌ای مدحت آمیز در مورد تاریخ اقتدار یافتن پهلوی‌ها نگاشته می‌گوید: «چهارده سال تمام تحت فشار بودم تا کتابی در ستایش خاندان پهلوی تدوین نمایم، معذالک این کتاب چیزی نیست که آنها می‌خواستند.» (برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله عبدالحسین آذرنگ، تحت عنوان علی‌دشتی روزنامه نگار، سیاست مدار، نویسنده و منتقد ادبی، مجله بخارا، شماره ۲۹-۳۰، مرداد مراجعه کنید ۱۳۸۲)

۲۵. زنان در سال (۱۳۱۵) مجبور به ترک چادر شدند. افتتاح دانشگاه و دانشسرای عالی برای تربیت معلم سبب شد که زنان دوش به دوش مردان به کسب دانش و سپس به فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بپردازند. این طبیعی بود که زنان و مردان تعابیر مختلفی از آزادی داشتند. دشتی به سبب نمایندگی مجلسین شورا و سنا و اشتهاش در نویسندگی و روزنامه نگاری، در مهمانیهای اشراف راه یافته و در یافته بود که دگرگونی‌هایی در روابط بین مرد و زن ایجاد شده است که می‌تواند بُن مایه داستان‌های کوتاه قرار گیرد. وی نخستین داستان خود را به نام «فتنه» با مقدمه‌ای از استاد لطفعلی صورتگر در سال (۱۳۲۲) منتشر کرد. کتاب مورد پسند افتاد و دوباره در سال (۱۳۲۸) تجدید چاپ شد. در (۱۳۲۵) مجموعه «سایه» و در سال (۱۳۳۰) «جادو» و «سرنجام «هندو» در سال (۱۳۳۴) منتشر شدند. (دشتی، ۲۳ سال، به کوشش: بهرام چوبینه، بی نا، ۱۳۷۳، بی‌جا، ص ۳۷)

۲۶. دومین و سومین مجموعه داستان‌های دشتی جادو نام داشت. جادو داستان‌های عشقی بود که از مرداد تا دی ۱۳۳۰ در مجله اطلاعات ماهانه نشر یافت.

۲۷. دشتی کوشش داشت تا به طریقی توجه مردم و نسل جدید راز گذشته تاریخش در دوره‌ی رضاخان، منحرف سازد. به همین سبب بار دیگر به نویسندگی رو کرد و این بار به انتشار کتابهای ادبی و عشقی نظیر «فتنه»، «هندو» و «سایه» پرداخت. گروهی از افراد با تجربه، این حرکت علی‌دشتی را هم در جهت بازی‌های سیاسی و هدایت افکار عمومی می‌دانند. زیرا در آن مقطع خاص زمانی، رمان نویسی مد روز بود و افرادی چون حسینقلی مستعان، در کنار کار در تشکیلات ممیزی و سانسور، این گونه فعالیت‌های ادبی را هم اداره می‌کرد. البته دشتی خیلی زود از این گونه آثار فاصله گرفت و به نگارش کتاب‌هایی چون «نقشی از حافظ» و «سیری در دیوان شمس»، «در قلمرو سعدی» و امثال آن پرداخت.

۲۸. دشتی در سه بخش نخست تخت پولاد ماجرای سفر راوی داستان به اصفهان و آشنایی خیالی او با سید محمد باقر در چه‌ای، مجتهد و مدرس نامدار اصفهان، را شرح می‌دهد و در چهار بخش دیگر به مباحث نظری-دینی می‌پردازد. تخت پولاد از زبان شخصیتی نمادین به نام جواد است و این جواد نگاهی شبیه به شیخ ابراهیم زنجانی به روحانیت دارد. اندیشه سیاسی جواد همان آنارشیسم پوپولیستی است که در آثار زنجانی و سایر طلاب و روحانیون بریده‌از روحانیت در دوران مشروطه و پس از آن رواج فراوان داشت.

۲۹. البته ابن وراق نیز این گونه روایت می‌کند: اگر چه دشتی کتاب ۲۳ سال رادر سال ۱۳۱۱ به رشته تحریر در آورد، ولی تا سال ۱۳۲۶ در چاپ و انتشار آن اقدامی ننمود. احتمال دارد که چاپ کتاب هم در بیروت انجام گرفته باشد؛ زیرا بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ رژیم شاه از چاپ و انتشار هر گونه نوشتاری که مخالف دین بود، جلوگیری می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی، دشتی به گروه‌های مخالف حکومت جمهوری اسلامی که به گونه زیرزمینی فعالیت می‌کردند، اجازه داد که به چاپ و انتشار این کتاب بپردازند. گفته می‌شود شمار نیم میلیون از این کتاب بین سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ به گونه غیر مجاز چاپ و به فروش رفته است (ابن وراق، ۱۳۷۹: ص ۳۴)

۳۰. سوره قمر، آیات ۱-۲. نویسنده کتاب راز بزرگ رسالت معتقد است علت وجود فعل ماضی در جمله «ماه شکافت» همانا اشاره به واقعه شق القمر توسط پیامبر اسلام است.

۳۱. سوره صافات، آیه ۱۲۴. نویسنده کتاب راز بزرگ رسالت با این استدلال که کلمه «آیه» در این جمله نکره آماده است استدلال می‌کند که منظور از آن خود قرآن نیست بلکه معجزه‌ای است غیر از قرآن.

۳۲. سوره رعد آیه ۳۱

۳۳. سوره اسراء آیه ۹۲

۳۴. سوره زمر آیه ۲۵

۳۵. وی از مدافعان اعجاز قرآن است. از کلام اوست در مورد اعجاز قرآن: این کتابی را که محمد(ص) آورده با اعجازش حیرت برانگیخته... از هیچ سبکی الگو نگرفته و شبیه هیچ مثال غریبی نیست نه قصیده‌ی موزون است و نه از انواع رجز و نه همانند خطابه‌ی عرب و نه بسان آهنگینی کاهنان سخنور... و چون آیه‌ای از آن در میان کلمات مخلوقین در آید در بین آن چون شهاب نورانی است در میان تاریکی شب... فتبارک الله رب العالمین».

۳۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «هر کس قرآن را به رأی (و دیدگاه شخصی) خود تفسیر کند، جایگاه خود را در آتش فراهم می‌نماید.» (ابن ابی‌الجمهور، (محمد بن علی)، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۴، شماره ۱۵۴)

۳۷. در باره‌ی این دوره یکی از نزدیک‌ترین و حسی‌ترین قضاوت‌ها رانیمایوشیج ارایه کرده‌است. او در نامه‌ای به تاریخ ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۱۲ش خطاب به رسام ارژنگی شهر تهران را این گونه می‌بیند: "از پشت شیشه‌ی کتاب خانه‌ها، این همه اسامی جدید کتاب‌های بی‌فایده و اغلب مضر را خواندن، رنگ به رنگ (جز رنگ‌های زنده که شما در تابلوهایتان کار می‌کنید) مصنفین و مورخین در کوچه و بازار دیدن، بدون این که مردم به وجود ایشان پی ببرند، از مقالات و صحبت‌های آن‌ها و عده‌ای که در کلیه‌ی علوم و فنون موجود اظهار رای می‌کنند محظوظ شدن، در خیال تان مجسم کنید که یک سینمای مجانی است...." "نیما در ستاره‌ای در زمین ادامه می‌دهد: "طبیعی است که تهران امروز باید یک فکر مخصوص به تهران امروز داشته باشد. این که مطبوعات در جنبه‌ی فلسفی خود از زمان دکارت و از قرن هفدهم فرانسه تجاوز نکنند و تاریخ نویس‌ها یک عده نقال خوش مزه‌یابی مزه و خنک باشند، که در نتیجه‌ی زحمات خود مواد اولیه‌ی تاریخی را برای غیر نقال‌ها فراهم بیاورند، شعرا و ادبا با آن ذوقی که از مطالعه‌ی اشعار قدیم حاصل کرده‌اند این استعداد را هم به‌ان اضافه کنند که سعدی و ابن‌یمین بشوند یا فردوسی و خیام. و صنف جوان و تازه به کار افتاده مشغول باشند به نقب زدن در اعماق گذشته برای به دست آوردن یک موضوع بی‌نتیجه یا یک نتیجه‌ی بی‌فایده.. برای این که افکار و احساسات در هیچ طبقه و صنف، تصادفی و نتیجه‌ی خالص تفکر و فشار فکری خود افراد نیست، بلکه نتیجه‌ی قضایا و وضعیات معین اجتماعی است." (یوشیج، ۱۳۵۴: صص ۱۳۵-۱۳۴)

۳۸. در بسیاری از انواع نثر دوره قاجار نوعی رویکرد انتقادی دیده می‌شود که سبب بروز دگرگونی‌هایی در انواع نثر این دوره شده‌است. رگه‌هایی از این رویکرد، که یک تفکر جهانی است، در نثرهای اوایل دوره قاجار دیده می‌شود، پس از آن به صورت پررنگ‌تر و قوی‌تری در انواع نثر این دوره برجسته می‌شود. این سیر به ویژه تا حوالی انقلاب مشروطه و اندکی پس از آن ادامه می‌یابد و در ادامه خصوصاً در نثرهای دوره بعد اندک اندک رنگ می‌بازد. با محوریت رویکرد انتقادی بعضی از انواع تغییرات شایان توجهی کرده‌اند. بعضی متروک و بعضی به کلی دگرگون شده، به گونه‌ای که پیوند آنها با صورت‌های پیشین کاملاً گسسته شده‌است. در پاره‌ای از انواع رگه‌هایی از این تفکر راه یافته و بعضی از انواع هم تحت تأثیر این تفکر شکل گرفته، بالیده و صورت‌های مستقلی یافته‌اند و پس از این دوره نیز با تغییرات اندکی برجای مانده‌اند. این مسأله نشان می‌دهد که رویکرد انتقادی محور تطور انواع نثر در این دوره‌است. (جهانگرد، ۱۳۹۰: ص ۶۱)

*برای مطالعه‌ی بیشتر خصوصاً سرگذشت نثر معاصر به کتاب «نویسندگان پیشرو ایران» که به تاریخچه رمان، قصه نویسی، نمایشنامه و نقد ادبی در ایران معاصر پرداخته شده، مراجعه کنید.

۳۹. چرامسلمان نیستم کتابی از ابن وراق نویسنده پاکستانی در نقد اسلام و قرآن است. این کتاب نخستین بار توسط انتشارات پرومته در ایالات متحده آمریکا در ۱۹۹۵ منتشر شد. عنوان این کتاب ادای احترامی به کتاب برتراند راسل، چرامسیحی نیستم، که راسل در آن به نقد مذهبی که با آن بزرگ شده، پرداخته‌است. دکتر مسعود انصاری، در سال ۲۰۰۰ میلادی، این کتاب را به زبان فارسی، با نام اسلام و مسلمانی (musulmanes muerte)، برگردانی کرده‌است.

فصول کتاب چرامسلمان نیستم:

- فصل ۱: واقعه رشدی
- فصل ۲: ریشه‌های اسلام
- فصل ۳: اشکالات مربوط به منبع‌ها
- فصل ۴: محمد و پیامش
- فصل ۵: قرآن
- فصل ۶: ماهیت خودکامه اسلام
- فصل ۷: آیا اسلام سازگار با دموکراسی و حقوق بشر است؟
- فصل ۸: امپریالیسم عرب، استعمار اسلامی
- فصل ۹: پیروزی‌های عرب و وضع مردم غیرمسلمان
- فصل ۱۰: مرتد و ارتداد، الحاد و از اداندیش، عقل و وحی
- فصل ۱۱: علم و فلسفه یونان و تاثیرش بر اسلام
- فصل ۱۲: تصوف و عرفان اسلامی
- فصل ۱۳: المعری
- فصل ۱۴: زن در اسلام
- فصل ۱۵: تابوها: شراب، خوک، همجنس‌گرایی
- فصل ۱۶: ارزشیابی پایانی از محمد
- فصل ۱۷: اسلام در غرب

۴۰. به عنوان مثال علی‌دشتی در بیان سرنوشت ابوعزه جمحی به غرض ورزی می‌پردازد دو داستان رابه گونه‌ی دیگر جلوه می‌دهد: ابوعزه جمحی که در احد اسیر شده و پیامبر او را امان داده بود در مدینه زندگی می‌کرد به حضرت گفت مرا ببخش یا از اد کن و حضرت بی در نگ به زیر دستور داد گردنش را بزنند! قصه این فرد این بود که وی در جنگ بدر اسیر شده بود و از رسول خدا در خواست کرد که بر او منت نهاده از ادش کند و حضرت نیز این در خواست را پذیرفت به شرط این که دیگر با مشرکین همدستی نکند و علیه او نجنگد او قبول کرد و آزاد شد اما عهد راشکست و با مشرکین همکاری و در جنگ احد نیز شرکت نمود که نتیجه‌اش زخمی عمیق بر پیکر مسلمین و خاندان پیامبر بود این آدم در لحظه اسارت مجدّد در جنگ احد با پررویی تمام این بار هم در خواست سابق (آزادی) را تکرار نمود رسول خدا به او فرمود «مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود» و نیز فرمود رهایت نمی‌کنم که در مکه گونه‌های خود را بگیری (مسخره کنی) و بگویی دوبار محمد را فریب دادم. البته این از هنرهای مؤلف ۲۳ سال است که در چند عبارت مختصر با مهارت چند حقیقت را قلب کند. وی گفته ابوغزه از اسرای بدر بوده و امان یافته و در مدینه زندگی می‌کرده‌است! گویا وی انتظار داشته که رسول خدا در مقابل این همه جنایت از یهود و مشرکین همه جنایتکاران را ببخشد تا تعدادی هم اندکی دلهره داشتند ترسشان ریخته و دستشان برای قتل عام هر مسلمانی باز شود و در مقابل ربودن اصحابش و اعدام آنها در مکه و اقدامهای متعدد برای ترور خود حضرت و نقشه یهود برای نفوذ به شهر و ربودن نوامیس مسلمین و فرزندان آنها یا قتل عام مردم مدینه و سرودن شعرهای زشت علیه اسلام و قرآن و پیامبر و کشتن مبلغان قرآن و نمایندگان رسول گرامی و تشکیل حلقه‌های توطئه جهت براندازی اسلام و مسلمین، حضرت در مقابل اینها دستی هم به سر جنایتکاران کشیده با هدیه و بدر قه‌از ادشان کند! آیا در این صورت دیگر اثری از اسلام و حتی پیامبر و نسلش باقی می‌ماند؟

۴۱. در این سالها دشتی به یادگیری زبان فرانسه پرداخت. در زندگی او، فرانسه در حکم دروازه‌ای به فرهنگ و تمدن جهان مدرن بود. او همچنین در کنار آن زبان، توجه و علاقه ویژه‌ای به تاریخ و فرهنگ انگلیس و روسیه داشت. علاوه بر زبان مادری، عربی و فرانسه، دو زبان اصلی بودند که ارتباط دشتی را با فرهنگ عرب و اروپا، به خصوص از طریق ترجمه کتاب‌های پرفردار، برقرار می‌کردند. پرسشی که ذهن کنجکاو مترجم را در بررسی آثار اروپایی به خود مشغول می‌ساخت، یافتن راز موفقیت جهان غرب بود. علی‌دشتی برداشت و تفسیر دوگانه‌ای در جستجوی یافتن پاسخ آن پرسش داشت. او خود را وطن‌پرست ایرانی می‌دانست و علم، تکنولوژی، توانایی اقتصادی و نظامی، همچنین فردگرایی و تاثیر فرد بر امور اجتماعی و سیاسی در اندیشه دشتی ابعاد پیشرفت و تکامل بشریت را تشکیل می‌دهند و ضامن بقای جامعه در گذر زمان هستند. در پیشرفت هند و ژاپن در آن دوره، دشتی تحقق نظریات خود را باز می‌یافت، و ایران را در مسیر خود برای پیشرفت کمتر از آن کشورها نمی‌دانست. دشتی در پی اختلافاتی که با قوام‌السلطنه بر سر سیاست او، حزب توده و دخالت شوروی سابق داشت در بهار ۱۳۲۵ به زندان انداخته شد و مدت شش ماه در حبس بسر برد. پس از آزادی به فرانسه رفت و در سال ۱۳۲۷ دوباره به تهران بازگشت. (برای مطالعات بیشتر در این زمینه به مقاله‌ی حمید تفضلی، تحت عنوان «علی‌دشتی» مراجعه کنید)

۴۲. راز بزرگ رسالت، چاپ ۱۳۸۶، ص ۳۷: «چه بسا مطلبی را از کتابی نقل می‌کند که در آن کتاب موجود نیست، چه بسا آیه را غلط می‌نویسد، گاهی مطلبی را از تفسیر جلالین نقل می‌کند و می‌گوید تفسیر جلالین مدرک آن را نوشته‌است در حالی که تفسیر جلالین مدرک آن را نوشته‌است» خیانت در گزارش تاریخ، ج ۱، ص ۱۰: «کمتر کسی از خوانندگان در صدد برمی‌آید تا مندرجات کتاب را پیگیری کند و آنها را با منابع تاریخ اسلام تطبیق دهد که اگر کسی حوصله این کار را داشته باشد به زودی در می‌یابد کتاب ۲۳ سال، آیتی است از تحریف تاریخ و قلب مدارک اسلامی و دگرگون ساختن مندرجات کتابها»

۴۳. در مطالب کتاب ۲۳ سال به وضوح احراز می‌شود که علی‌دشتی از عباراتی مثل قهرمان، نابغه، مصلح بزرگ و امثال آن از پیامبر عظیم‌الشأن اسلام نام می‌برد تا بتواند رسول بودن آن حضرت از طرف خدا را انکار نماید و قطعاً به این مقدار هم اعتقاد ندارد زیرا وی در جای جای کتابش حقایق قرآن را نیز انکار کرده و تلویحاً پیامبر صدیق اسلام را تکذیب و در مباحث بعدی مثل مبحث زن و پیغمبر صریحاً و حیثیت قرآن را تکذیب نموده‌است. بنابراین بعضی از اظهارات معتقدانه او صرف تظاهر است.

منابع، مآخذ و مقالات

- آبادیان، حسین. (۱۳۸۴). نظریه پردازان استبداد منور، تاملی در دیدگاه‌های سیاسی علی دشتی و مرتضی مشفق کاظمی، مجله مطالعات تاریخی: شماره ۶
- آذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۸۲). علی دشتی روزنامه نگار، سیاست مدار، نویسنده و منتقد ادبی، مجله بخارا، شماره ۲۹-۳۰
- آرین پور، یحیی. (۱۳۷۹). از نیما تا روزگاران ما، تهران: زوار
- ابن وراق. (۱۳۷۹). اسلام و مسلمانی (چرامسلمان نیستم)، مسعود انصاری، -
- افشار، ایرج و سالور، مسعود. (۱۳۷۹). قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، تهران: اساطیر، ج ۹
- بهزادی، علی. (۱۳۷۷). شبه خاطرات، تهران: زرین
- پارسی نژاد، ایرج. (۱۳۸۷). علی دشتی و نقد ادبی، تهران: سخن
- تفضلی، حمید.. «علی دشتی». تلاش آنلاین.
- [http://talashonline.net/?s=matn+۱=۴۰۴&search_۱۴۱+۲+۲۳](http://talashonline.net/?s=matn+۱۴۱+۲+۲۳&search_۱=۴۰۴)
- تولایی تهرانی، مهزاد. (۱۳۷۶). جستاری در افکار و اندیشه‌های علی دشتی، مجله کیهان فرهنگی: شماره ۱۳۵
- جهانگرد، فرانک. (۱۳۹۰). رویکرد انتقادی: مبنای دگردیسی انواع نثر ادبی در عصر قاجار، فصل نامه علمی پژوهی نقد ادبی: شماره ۲۹
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۳۹). علی دشتی، مجله پیام نوین: دوره سوم
- دشتی، علی. (۱۳۷۳). ۲۳ سال، به کوشش بهرام چوبینه، بی جا: بی نا
- دشتی، علی. (۱۳۵۶). پنجاه و پنج. تهران: امیر کبیر
- دشتی، علی. (۱۳۲۹). ایام محبس، تهران: شرق
- رکن زاده ادمیت، محمد حسن. (۱۳۳۸). دانشمندان سخن سرايان فارس، تهران: خیام
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۵۸). راز بزرگ رسالت، قم: علمیه
- شهبازی، عبدالله. (۱۳۸۵). زندگی و زمانه علی دشتی، شیراز: موسسه فرهنگی و پژوهشی
- طباطبایی، سید مصطفی. (۱۳۶۶). خیانت در روایت تاریخ در نقد کتاب ۲۳ سال علی دشتی، تهران: چاپخش
- کاظمی، حسنین. (۱۳۴۳). دشتی و فتنه، مجله هلال: شماره ۲۹
- ماحوزی، مهدی. (۱۳۸۲). عوامل سقوط (خاطرات دشتی)، مجله بخارا: شماره ۲۶
- یوشیج، نیما. (۱۳۵۴). ستاره‌ای در زمین، تهران: توس

- Algar, Hamid.(1987).Twenty Three Years: A Study of the Prophetic Career of
Mohammad by Ali Dashti, Middle East Journal vol.41 no.2